

## تامین مالی بخش تولید در اقتصاد ایران

دکتر احمد تشکینی، استادیار موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی

### جوان

بر کسی پوشیده نیست که هر نظام برنامه‌ریزی با محدودیتهایی همچون محدودیت منابع فیزیکی، انسانی و مالی مواجه است. لذا یکی از شروط لازم برای رشد و توسعه هر اقتصاد و پشتیبانی از نظام تولید آن، وجود منابع مالی کافی است. در این شرایط نقش و اهمیت حوزه‌های پولی و مالی در ایفای نقش تجهیز منابع و هدایت و مدیریت آن به سمت بخش‌های مولد از اهمیت مضاعفی برخوردار است. به عبارت دیگر این بخش‌ها را علاوه بر کارکردهای فراوان خود می‌توان به‌عنوان یک زیرساخت مهم و اساسی تلقی کرد. براین اساس ارتباط بین بازار پول و بخش حقیقی اقتصاد را می‌توان به‌مثابه ارتباط بین منبع آب و زمین کشاورزی تعبیر کرد. پر واضح است که اگر منابع موجود در این منبع به میزان کافی و در زمان مناسب به زمین کشاورزی تزریق نشود نمی‌توان انتظار افزایش تولید محصول کشاورزی را داشت، لذا شرط لازم برای رشد اقتصادی و حمایت از بخش تولیدی، تزریق منابع پولی به بدنه حقیقی اقتصاد در زمان مناسب و به میزان کافی می‌باشد. شاید مبتنی بر این رویکرد است که بسیاری از اقتصاددانان، نقش پول در اقتصاد را به‌مثابه روغن لای چرخ دنده‌های ماشین تشبیه می‌کنند، بدان معنا که عدم تزریق کافی منابع پولی به بخش حقیقی مانع حرکت روان فعالیت‌های اقتصادی خواهد شد.

اهمیت موضوع تامین مالی بخش تولید در اقتصاد ایران بقدری است که به نقل از وزیر صنعت، معدن و تجارت، «تامین مالی مشکل بیش از ۷۰ درصد بنگاه‌های تولیدی کشور است». این نقل به مضمون این سوال جدی را در ذهن متبادر می‌کند که به چه دلیل صاحبان تولید همواره مشکل نقدینگی و کمبود منابع مالی را چالشی اساسی در حوزه فعالیت خویش به‌شمار می‌آورند؟ در پاسخ به این سوال می‌توان به عوامل و دلایل متعددی همچون محدودیت منابع مالی داخلی در مقایسه با نیازهای توسعه‌ای کشور (رشد ۸ درصد)، بهره‌وری پایین تولید و کارآیی پایین منابع مالی، بانک محوری تامین منابع و سهم پایین تخصیص منابع بانک‌ها به بخش تولید، عدم تنوع ابزارهای تامین مالی، سودآوری پایین بخش تولید در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصادی و بالا بودن هزینه تامین منابع

مالی برای بنگاههای تولیدی، عدم وجود ثبات و امنیت اقتصادی برای سرمایه‌گذاری در حوزه تولید و نقش ضعیف بانکهای توسعه‌ای در حمایت از تولید اشاره کرد.

شاید مهمترین چالش حوزه تامین مالی کشور محدودیت منابع مالی در مقایسه با نیازهای توسعه‌ای کشور باشد، بدان مفهوم که منابع محدود داخلی پاسخگوی نیاز بخش‌های مختلف اقتصادی کشور نمی‌باشد. براین اساس تلاش بیشتر در جذب منابع داخلی توسط یک بخش اقتصادی به مثابه «بازی جمع صفر» خواهد بود، بدان دلیل که افزایش جذب منابع توسط یک بخش به کاهش جذب منابع توسط بخش دیگر منجر می‌شود. چالش دیگر تمرکز بسیار زیاد بر تامین مالی از نظام بانکی و عدم توسعه سایر بازارهای مالی همچون بازار بورس است. به‌عنوان مثال سهم نظام بانکی، بورس و اوراق مشارکت در تامین مالی بنگاهها در سال ۱۳۸۸ به ترتیب ۸۳، ۱۲ و ۵ درصد بوده است که در سال ۱۳۸۹ به ترتیب به ۷۶، ۸ و ۱۶ درصد تغییر یافته است.

این امر حاکی از آن است که علیرغم محدودیت‌های منابع نظام بانکی، سهم بالایی از تامین مالی برعهده این نهاد مالی است و سایرین از جمله بازار بورس نقش کم‌رنگی ایفا می‌کنند. به‌عنوان نمونه میزان گردش مالی بازار بورس نسبت به کل تولید ناخالص داخلی ایران در مقایسه با کشورهای به نسبت مشابه منطقه بسیار پایین است. این نسبت برای ایران، عمان، مالزی، مصر، امارات، اندونزی، کویت، ترکیه و پاکستان به ترتیب ۲۱، ۲۵، ۳۳، ۳۶، ۳۷، ۵۰، ۶۴، ۱۵۷ و ۲۴۷ درصد می‌باشد. شایان ذکر است نسبت سرمایه شرکتهای بورسی نسبت به کل تولید ناخالص داخلی در ایران نسبت به سایر کشورهای منطقه نیز پایین است. این نسبت برای ایران، پاکستان، ترکیه، اندونزی، عمان، امارات، مصر، کویت و مالزی به ترتیب ۱۷، ۲۴، ۲۹، ۲۹، ۳۱، ۴۵، ۵۳، ۱۰۵ و ۱۳۹ درصد می‌باشد

نکته حایز اهمیت دیگر آن است که منابع مالی به‌سمت فعالیتهای دارای بازدهی بالاتر و توانایی بازپرداخت بیشتر سوق پیدا می‌کند. براین اساس در اقتصاد ایران بخش عمده‌ای از منابع در مسیر تولید بدان دلیل قرار نمی‌گیرند که سودآوری پایین‌تری نسبت به سایر فعالیتهای اقتصادی دارند. شایان ذکر است عدم ثبات در فضای کلان اقتصادی کشور و وجود نرخهای تورم دو رقمی از دیگر دلایلی است که نقش اساسی در هدایت منابع به‌سمت فعالیتهای غیرمولد را بازی می‌کند.

براساس آنچه عنوان شد این نتیجه کلی قابل استخراج است که مشکل تامین مالی موضوعی اساسی و نشأت گرفته از برخی چالش‌های ساختاری اقتصاد کشور می‌باشد که نیازمند اجرای سیاستهای

دقیق و منسجم به منظور رفع تنگناهای مرتبط است. از جمله این راهکارها می توان به کاهش سهم  
تامین مالی از داخل و اتخاذ برنامه های تشویقی برای جذب سرمایه گذاری خارجی، تقویت و توسعه  
بازارهای مالی از جمله بازار بورس و ایجاد تنوع در ابزارهای تامین مالی اشاره داشت.